

پشتِ پشتِ گردنم، لانه کرده‌ای!

اعظم مهدوی



من کلاغ تو هستم.

نود و دو سال

از مُردنت گذشته است.

من قبر تو را

با سی و هشت دگمه‌ی طلایی

پنجاه و دو قاشق چنگال برق‌برقی

سیزده تا انگشتر

هفت تیل‌ی شیشه‌ای

دو تا چشم عروسک

هفتاد و سه تا سنگ کمر بند

دویست و دو تا پونز

صد و بیست و هشت تا زرورق شکلات

و سه تا دندان طلا

تزیین کرده‌ام.

می‌دانم که خوشحالی

هر شب صدای خنده‌هایت را می‌شنوم.